



اقتصاد سرمایه‌داری در متن فلسفی نفی حضور و دخالت خداوند شکل گرفت

پس از رواج دئیسم در دنیای غرب، کم‌کم عقیده از این هم دورتر می‌شود و به جایی می‌رسد که به تدریج به نفی خداوند (در شکل انکار یا لادری) می‌انجامد و در چنین فضای فلسفی است که آدام اسمیت، که او را پدر علم اقتصاد سرمایه‌داری خوانده‌اند، متولد شده و رشد پیدا می‌کند.

حجت‌الاسلام میرمعزی: اقتصاد سرمایه‌داری در متن فلسفی نفی حضور و دخالت خداوند شکل گرفت پس از رواج دئیسم در دنیای غرب، کم‌کم عقیده از این هم دورتر می‌شود و به جایی می‌رسد که به تدریج به نفی خداوند (در شکل انکار یا لادری) می‌انجامد و در چنین فضای فلسفی است که آدام اسمیت، که او را پدر علم اقتصاد سرمایه‌داری خوانده‌اند، متولد شده و رشد پیدا می‌کند.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، دومین جلسه از سلسله جلسات نظریه‌پردازی در حوزه اقتصاد اسلامی با عنوان «#171؛ نظام اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم» با موضوع «#171؛ مبانی فلسفی نظام اقتصادی اسلام از دیدگاه قرآن کریم»، با حضور حجت‌الاسلام و المسلمین سیدحسین میرمعزی، عضو شورای عالی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، حجت‌الاسلام و المسلمین تقوی رئیس سازمان فعالیت‌های قرآنی کشور و مدیر عامل خبرگزاری ایکنا و جمعی از اصحاب رسانه، دوشنبه 18 اردیبهشت ماه، در سالن کنفرانس سازمان فعالیت‌های قرآنی کشور برگزار شد.

بنابر این گزارش، حجت‌الاسلام میرمعزی، در ابتدای سخنان خود با اشاره به مقدماتی در باب مبانی و اهداف نظام اقتصادی اسلام اظهار کرد: در نشست نخست مشخص شد که مقصود از نظام اقتصادی اسلام مجموعه‌ای از الگوهای مطلوب رفتاری در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف است، که از طریق الگوهای مطلوب روابط اقتصادی (بازارها: کالا، سرمایه، عوامل، مالی) به هم پیوند می‌خورند.

وی افزود: این الگوهای رفتاری و روابط مطلوب که از مردم و دولت و اقشار و گروه‌های مختلف مردم و دولت سر می‌زند، به صورت سازگار و هماهنگ باهم به صورت اهداف معینی مانند رشد، عدالت، امنیت اقتصادی هماهنگ می‌شوند. این الگوهای رفتاری و روابط مطلوب مبتنی بر دو دسته مبانی (مبانی فلسفی و مبانی مکتبی) هستند که در چارچوب اخلاق و حقوق (فقه اسلامی) محقق می‌شوند.

این مدرس حوزه و دانشگاه عنوان کرد: در حقیقت رفتارها و روابط اقتصادی مطلوب، اگر مبتنی بر مبانی فلسفی و مکتبی، در چارچوب اخلاق و فقه اسلامی در جهت اهداف ساماندهی شوند، این مطلب نظام اقتصادی اسلام را شکل می‌دهد. برای مطالعه نظام اقتصادی از منظر اسلام، گام نخست آن است که مبانی فلسفی آن را بشناسیم و تفاوت این مبانی را با نظام‌های اقتصادی دیگر از جمله نظام سرمایه‌داری تبیین کنیم.

وی تصریح کرد: بنابراین، مراد از نظام اقتصادی اسلام الگوهای مطلوب رفتاری مبتنی بر مبانی اسلامی و مراد از نظام اقتصاد سرمایه‌داری همان الگوهای مطلوب رفتاری مبتنی بر مبانی مکتب سرمایه‌داری است؛ بنابر این اگر ما بخواهیم تفاوت‌های اساسی این دو نظام، یعنی اسلام و سرمایه‌داری را متوجه شویم، باید به سراغ ریشه‌ها برویم و ببینیم که چه تفاوتی بین مبانی فلسفی و مکتبی این دو مکتب وجود دارد و این تفاوت چه تأثیری در خود نظام اقتصادی گذاشته است.

نظایر اقتصادی سوسیالیستی و سرمایه‌داری، فرض خود را بر این گرفته‌اند که در روابط انسانی و تأثیر و تأثرات پدیده‌های اقتصادی خداوند حضور ندارد و بنابراین هیچ تحلیلی از حضور و دخالت خداوند در این روابط و چگونگی تأثیرگذاری او در رشد و توسعه جوامع انسانی ارائه ن داده‌اند

حجت‌الاسلام میرمعزی در توضیح و تشریح مبانی فلسفی نظام اقتصادی از دیدگاه قرآن گفت: مبانی فلسفی معمولاً به دو دسته جهان‌بینی و معرفت‌شناسی تقسیم می‌شوند: جهان‌بینی مشتمل بر چهار عنوان و سرفصل اصلی خداشناسی شامل تبیین رابطه خداوند با جهان انسان، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی است.

وی در تعریف جهان‌بینی تصریح کرد: شهید مطهری در تعریف جهان‌بینی می‌گوید: نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌دارد، زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود؛ این زیرساز و تکیه‌گاه اصطلاحاً جهان‌بینی نامیده

می‌شود. بنابراین جهان‌بینی در حقیقت نوع نگاه يك مكتب به عالم هستی شامل خدا، جهان، انسان و پدیده‌ای به نام جامعه و ارتباط و تعامل اینها را مورد بحث قرار می‌دهد.

وی عنوان کرد: محور دوم معرفت‌شناسی یا نظریه معرفت است؛ این مفهوم شاخه‌ای از فلسفه است که به بررسی ماهیت و حدود معرفت، پیش‌فرض‌ها و مبانی معرفت و قابلیت اعتماد به ادعاهای معرفتی را می‌سنجد. چپستی معرفت و چگونگی حاصل شدن آن، ابزارهای حصول معرفت، ملاک و میزان اعتبار این ابزارها، ملاک صحت و سقم معرفت و بحث‌های از این دست در مبانی معرفت‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

نویسنده کتاب «؛نظام اقتصادی اسلام» با بیان این‌که مبانی معرفت‌شناسی معمولاً زیربنای روش علم قرار می‌گیرد، اظهار کرد: یعنی ما اگر مباحث معرفت‌شناسی را از قرآن استخراج کرده و بر اساس این مبانی به پرسش‌های معرفت‌شناسانه پاسخ دادیم، آنگاه باید روش کشف نظام اقتصادی یا علم اقتصاد را مبتنی بر مبانی معرفت‌شناسی استخراج کنیم.

بنیادهای فلسفی اقتصاد سرمایه‌داری غرب

وی در تشریح نخستین مبنا از مبانی فلسفی نظام اقتصادی اسلام به موضوع خداشناسی و اقتصاد پرداخت و گفت: در قرون وسطا اعتقادی که در غرب نسبت به خداوند وجود داشت، اعتقاد درستی بود: این‌که خداوند خیر اعلی و علت‌العلل است و تدبیر این جهان به دست اوست و خداوند آن به آن در حال تدبیر، حفظ و مراقبت از این جهان است.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه داد: گفته شده که چند عامل موجب شد که کم‌کم غربیان از این نگاه – که نگاه مسیحیت آن زمان بوده – دور شوند. یکی از این عوامل نظریه‌های علمی تأثیرگذاری بود که کسانی چون گالیله و نیوتن مطرح کردند. آنان با ابزار عقل و تجربه بشری و آزمایش به حقایق دست می‌یافتند. به تدریج پیشرفت مطالعات این چینی موجب شد که این باور پیش بیاید که عقل در شناخت حقایق برتر از وحی است.

این محقق و پژوهشگر افزود: این امر موجب که اعتقادات کم‌کم از خداوندی که تدبیر امور به دست او بوده، گام به گام دور می‌شود تا در مرحله‌ای به دئیسم منتهی می‌شود. برای جایگاه خداوند در مكتب دئیسم دو تشبیه ارائه شده است: «؛ساعت‌ساز لاهوتی» و دیگر «؛معمار بازنشسته»؛ مراد از این دو تشبیه آن است که خداوند متعال در خلقت این جهان مؤثر است، اما در بقای آن هیچ تأثیری ندارد.

حجت‌الاسلام میرمعزی در توضیح این مطلب خاطرنشان کرد: بنابر عقیده دئیسم خداوند این جهان را آفریده و نظمی بین اجزای آن ایجاد کرده است؛ به‌گونه‌ای که این نظم خود به صورت خودکار کار می‌کند و فعالیت آن ادامه دارد. خداوند در گوشه‌ای نشسته و حرکت منظوم عالم را که خود آفریده، مشاهده می‌کند. مانند ساعت‌سازی که اجزای ساعت را به هم وصل می‌کند و آن را به کناری می‌گذارد و ساعت خود، بدون دخالت ساعت‌ساز کار می‌کند و از همین روست که در دئیسم خدا را «؛ساعت‌ساز لاهوتی» خوانده‌اند.

وی اضافه کرد: تشبیه دیگر از خداوند در دئیسم «؛معمار بازنشسته» است؛ معماری که خانه‌ای را ساخته و اجزای آن را در کنار هم مرتب چیده و در گوشه‌ای نشسته و این بنای مجلل را مشاهده می‌کند. به هر حال بر اساس عقیده دئیسم خداوند متعال در بقای عالم هستی (اعم از عالم انسانی و غیر انسانی و طبیعت) بر اساس نظم‌هایی که در نهاد و طبیعت افراد قرار داده کار می‌کنند و به پیش می‌روند.

اگر ما بخواهیم تفاوت‌های اساسی این دو نظام، یعنی اسلام و سرمایه‌داری را متوجه شویم، باید به سراغ ریشه‌ها برویم و ببینیم که چه تفاوتی بین مبانی فلسفی و مکتبی این دو مكتب وجود دارد و این تفاوت چه تأثیری در خود نظام اقتصادی گذاشته است

عضو شورای عالی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت خاطرنشان کرد: کم‌کم عقیده از این هم دورتر می‌شود و به جایی می‌رسند که از این درجه نیز گذر کرده و به تدریج نافی خداوند می‌شوند؛ یعنی یا به طور کلی منکر خداوند شدند (مانند سوسیالیست‌ها) و یا این‌که لادری شدند و گفتند ما ابزار فهم این موضوع را نداریم که بفهمیم خدایی هست یا نیست؛ مثلاً درباره هیوم برخی گفته‌اند که منکر بود و برخی دیگر او را لادری دانسته‌اند.

وی تصریح کرد: هیوم بر آن بود که وسیله شناخت حقایق بشر تجربه حسی و مادی است و چون خداوند را نمی‌توان تجربه کرد، بنابراین نمی‌توان درباره او اظهار نظر کنیم و یا این‌که باید بگوییم چنین حقیقتی وجود ندارد. این فضای فلسفی است که نظام سرمایه‌داری در آن متولد می‌شود. آدام اسمیت که او را پدر علم اقتصاد سرمایه‌داری خوانده‌اند، متولد شده و رشد پیدا می‌کند.

این مدرس حوزه و دانشگاه بیان کرد: آدام اسمیت خود از شاگردان اصلی هیوم بوده و پس از او نیز حتی گذشته از آثار فلسفی، حتی در آثار اقتصادی نیز اثری از حضور خداوند در این دانش مشاهده نمی‌شود. به هر حال اگر خداوند در ابعاد اقتصادی جامعه انسانی دخالت کند، با ابزار و روشی دخالت می‌کند و در این علم اقتصاد، حتی يك جمله نمی‌توان یافت که چگونگی حضور و دخالت خداوند در آن علم را تحلیل کند.

وی با اشاره به این‌که گذشته از اقتصاد سرمایه‌داری، در اقتصاد سوسیالیستی نیز با توجه به این‌که آنها منکر خداوند هستند، اثری از دخالت و حضور خداوند مشاهده نمی‌شود، افزود: بنابراین می‌توانیم بگوییم که نظام‌های اقتصادی سوسیالیستی و سرمایه‌داری، فرض خود را بر این گرفته‌اند که در روابط انسانی و تأثیر و تأثرات پدیده‌های اقتصادی خداوند حضور ندارد و بنابراین هیچ تحلیلی از حضور و دخالت خداوند در این روابط و چگونگی تأثیرگذاری او در رشد و توسعه جوامع انسانی ارائه نداده‌اند.